

Email:
isqt@sku.ac.ir

website:
<https://isqt.sku.ac.ir>

Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology



Historical Analysis - Explanation of the Opinions of the Commentators on the Opening Verses of Surah Ar-Rum

Qasem Fattahi*¹ Seyyed Yahya Kazemi²

¹ PhD in Islamic History, independent researcher and visiting professor, Shahrekord University

² Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrekord University of Medical Sciences

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:
Tawakkul, Hope,
Tranquility, Quran,
Hadith

Received: 2025/06/16
Accepted: 2025/07/08

***Corresponding author:**
gh5fatahi@gmail.com

How to cite this paper:
Fattahi, Q., Kazemi, S.Y., (2025).
The impact of Historical Analysis
- Explanation of the Opinions of
the Commentators on the
Opening Verses of Surah Ar-
Rum. *Interdisciplinary Studies of
the Quran and Theology*. 2(2):81-
100.

ABSTRACT

The purpose of this research is to elucidate the concept of Tawakkul (reliance on God) in the Quran, using narrations, and to examine its effects in confronting life's challenges. It also aims to provide strategies for strengthening this valuable trait to improve the quality of life, resolve problems, and foster a spirit of hope and tranquility in life. The research method is a combination of library methods (studying religious texts, especially the Quran and the narrations of the infallible Imams) and content analysis. These studies were conducted by referring to the Holy Quran and examining 48 verses that contain the word Tawakkul or its derivatives. The findings indicate that Tawakkul, as a fundamental principle in Islamic teachings, plays a significant role in facilitating problem-solving, alleviating anxiety and stress in life, and strengthening hope and tranquility. Numerous verses and narrations emphasize the importance of Tawakkul and its positive effects on human life. However, what is more emphasized in this article is a practical approach to Tawakkul in life for confronting problems such as depression, fear, and despair.

DOI: [10.22034/isqt.2025.15272.1023](https://doi.org/10.22034/isqt.2025.15272.1023)

تحلیلی تاریخی - تبیینی بر آراء مفسرین در مورد آیات آغازین سوره روم

قاسم فتاحی*^۱، سید یحیی کاظمی^۲

^۱ دکترای تخصصی تاریخ اسلام، پژوهشگر آزاد و استاد مدعو دانشگاه شهرکرد

^۲ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	توجه به تاریخ و سرگذشت پیشینیان، از موارد قابل توجه در قرآن کریم است، و یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن خبر دادن از امور غیبی و از جمله موارد خبر قرآن از آینده که مرتبط با تاریخ ایران در دوره ساسانیان و موضوع مورد مطالعه این تحقیق است؛ پیش‌گویی نتیجه نهایی جنگ‌های ساسانیان با رومیان در زمان سلطنت خسرو پرویز است، که در آیات اولیه سوره روم بدان پرداخته شده است. در این مقاله، ابتدا به پیشینه روابط سیاسی - نظامی ایران و روم در عصر ساسانی به صورت گذرا اشاره و سپس نگاه قرآن به جنگ‌های ایران و روم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مسأله اصلی پژوهش حاضر، اعجاز قرآن کریم در پیش‌گویی نتیجه نهایی جنگ‌های ساسانیان با رومیان و به تبع آن علت اصلی خوشحالی مسلمانان از نزول آیات آغازین سوره روم است. این مقاله درصدد است تا با بررسی و تحلیل متون و منابع تاریخی و تطبیق آن با آیات قرآن و تفاسیر شیعه و اهل سنت، به سوالات تحقیق پاسخ دهد. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاصل از این پژوهش که برآیند بررسی و تحلیل تاریخی - تبیینی آراء مفسرین است، نشان می‌دهد که علت اصلی شادی مسلمانان همانا تحقق پیش‌گویی قرآن کریم - وعده خداوند در مورد وقایع آینده - و اثبات حقانیت و صدق گفتار رسول خدا(ص) بوده است.
واژگان کلیدی: قرآن کریم، ایرانیان، رومیان، تاریخ، تفسیر	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: gh5fatahi@gmail.Com	
ارجاع: فتاحی، ق.، کاظمی، س.ی.، ۱۴۰۴، تحلیلی تاریخی - تبیینی بر آراء مفسرین در مورد آیات آغازین سوره روم، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲): ۸۱-۱۰۰.	

مقدمه

روابط سیاسی میان ایران و روم از زمان اشکانیان آغاز شد. قوم پارت که اشکانیان از آن برخاستند احیاگر استقلال ایران در برابر بیگانگان سلوکی بود. اخراج کامل سلوکیان از ایران مصادف با پیشروی رومیان در قلمرو جانشینان اسکندر و توجه این امپراتوری به شام و آسیای صغیر و در نتیجه همسایگی با امپراتوری اشکانی بود. دوران صلح و آرامش در مرزهای ایران و روم دیری نپائید و بزودی میان دو کشور جنگ‌های طولانی و شدیدی در گرفت (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۹۷-۱۰۹). به طوری که جنگ با روم و یا روابط با آن کشور از مهم‌ترین مسائل خارجی دوره اشکانی گردید. نبردهای ایران و روم از دوران طولانی اشکانیان فراتر رفت و به دوره ساسانی رسید. از همان ابتدای تشکیل حکومت ساسانی تعارض منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و دینی دو امپراتوری را در مقابل هم قرار داد و جنگ‌های متعددی بین ایران ساسانی و روم شرقی صورت گرفت (نک. کریستن سن، ۱۳۶۷: ۲۹۵-۲۹۹). یکی از مهم‌ترین این جنگ‌ها که مرتبط با موضوع این پژوهش است، جنگ‌های «خسروپرویز» پادشاه مشهور ساسانی با رومیان است. این جنگ‌ها را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد: در مرحله اول جنگ عمدتاً پیروزی با سپاه ایران بود و سرداران سپاه خسروپرویز، شکست‌های سختی بر رومیان وارد کرده و در نواحی شامات و مصر و آسیای صغیر پیشروی کردند (نک. دینوری، ۱۳۷۱: ۱۳۶؛ هوار، ۱۳۶۶: ۱۳۶). اوج پیروزی‌های خسروپرویز در سال ۶۱۶ م. بود (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۴۳۸) که تقریباً منطبق با سال هفتم بعثت می‌باشد، یعنی زمانی که مسلمانان در شرایط بسیار سخت و بحرانی در مکه بسر می‌بردند. در چنین شرایطی بود که آیات نخستین سوره روم که پیروزی رومیان بر ایرانیان در آینده را وعده می‌داد، بر رسول خدا نازل شد. مرحله دوم این جنگ‌ها زمانی است که «هرقل (هراکلیوس)»^۱ امپراتور روم وقتی دید تلاش‌هایش برای وادار کردن خسروپرویز به مصالحه نتیجه‌ای ندارد با استفاده از برتری دریایی به قلمروی ساسانیان حمله برد که نهایتاً این دوره از جنگ‌ها با شکست خسروپرویز و خلع وی از سلطنت پایان یافت (نک. هوار، ۱۳۶۶: ۱۳۶؛ کریستن سن، ۱۳۶۷: ۴۳۸). این مرحله از جنگ‌های ایران و روم که با برتری قابل توجه رومیان همراه بود، سال‌های ۶۲۸-۶۲۲ م. را در بر می‌گیرد، که هم‌زمان با سال‌های اقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مدینه است و شکست قطعی خسروپرویز مطابق با سال‌های پنجم یا ششم هجری قمری است که در این سال‌ها دو موفقیت بزرگ نصیب مسلمانان شد: یکی پیروزی در غزوه خندق و دیگری صلح حدیبیه - که آن هم پیروزی بزرگی برای مسلمانان بود - و این مسأله دقیقاً با پیش‌گویی اعجاز آمیز قرآن تطابق دارد.

^۱Constantinus Heraclius

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی با موضوع توجه قرآن به تاریخ انجام شده است. چنان‌که دانش اعتمادی (۱۳۸۸) در نوشتاری به بررسی نگرش قرآن به گذشته انسان که در قالب قصص مطرح شده می‌پردازد. پرهون (۱۳۸۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد قرآن به تاریخ»، نگاه و چگونگی استفاده قرآن از علم تاریخ برای هدایت انسان‌ها را مورد مطالعه قرار داده است. طالبی (۱۳۹۰) نیز در تحقیق خود تحت عنوان: «تاریخ در قصص قرآن» به اهمیت قصص قرآنی و جنبه عبرت‌آموزی تاریخ در قرآن توجه دارد. علاوه بر کتب تفسیری - که در ارتباط با موضوع مورد این پژوهش از وحدت رویه و نظر واحد برخوردار نیستند - در برخی از آثار علوم قرآنی نیز به اصل این واقعه به طور گذرا و به اجمال اشاره شده است. اما از جمله تحقیقات تا حدی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر موارد زیر را می‌توان برشمرد:

احمدی (۱۳۷۷) در تحقیقی به تفسیر دو قرائت از آیات اول سوره روم می‌پردازد و در پایان نتیجه می‌گیرد که آیه شریفه متضمن غیب‌گویی قاطعی است. واثقی‌راد (۱۳۹۷) در تحقیق خود ضمن رد نظرات مفسران اهل سنت در مورد آیات اولیه سوره روم، به دلیل اتکا بر روایت ابن عباس، نتیجه می‌گیرد که تفسیر آیه به جنگ ایران و روم بی‌پایه و اساس است. زارعی و دژآباد (۱۳۹۹) در تحقیق خود، شادی مومنان را وعده نصرتی که نصیب خود مسلمانان شده، می‌دانند. علی‌انسب و اصغری (۱۳۹۴) در تحقیق خود به تفسیر پیش‌گویی قرآن از پیروزی روم بر فارس می‌پردازند و شادی مسلمانان را به خاطر یقین به تحقق وعده هم‌زمان با آن می‌دانند. سلطانی بیرامی و امیدیان (۱۳۹۵) در تحقیقی با بررسی پیش‌گویی قرآن بر اساس قرائت گوناگون آیات ابتدایی سوره روم، به این نتیجه می‌رسند که سه دسته تفسیر موجود هر یک متضمن یک پیش‌گویی است.

تفاوت اصلی پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی در رویکرد تاریخی به این موضوع است که در هیچ کدام از تحقیقات قبلی دیده نمی‌شود. نگارندگان کوشیده‌اند تا با دسته‌بندی و نقد تمام رهیافت‌های موجود پیرامون موضوع تحقیق، برای اولین بار تحلیلی تاریخی از آراء و دیدگاه‌های مفسرین در باره آیات آغازین سوره روم ارائه دهند که در تحقیقات پیشین بدان پرداخته نشده است. لذا پژوهش پیش رو درصدد است تا با بهره‌گیری از منابع و متون و نیز تطبیق تاریخی آرای مفسرین شیعه و اهل سنت به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. آیا از دیدگاه تاریخی اعجازی از سوی قرآن در این واقعه رخ داده است؟

۲. دلیل واقعی خوشحالی مسلمانان پس از نزول آیات نخستین سوره روم چه بوده است؟

پیش از بررسی نظرات و دیدگاه‌های مفسرین، ضرورت دارد تا برای درک فضا و شرایط تاریخی در دوره موضوع مورد مطالعه، گذری بر روابط سیاسی، نظامی میان ایران و روم در عصر ساسانی داشته باشیم.

۱- نگاهی به پیشینه روابط سیاسی، نظامی ایران و روم

۱-۱- ساسانیان و رومیان (بیزانس)

با وجود فروپاشی حکومت اشکانیان و به قدرت رسیدن ساسانیان، کماکان دشمن اصلی ایران، امپراتوری روم بود و بلندپروازی‌های «اردشیر بابکان» نخستین پادشاه ساسانی (بلعمی، ۱۳۵۳، ۲/۸۸۰-۸۸۱) به زودی با مخالفت روم مواجه گشت (فرای، ۱۳۷۳: ۳/۲۲۵). «شاپور اول» جانشین اردشیر نیز جنگ‌های متعددی با رومیان کرد، وی امپراتور «والریانوس»^۲ را با ۷۰ هزار لژیونر رومی به اسارت گرفت و رهسپار ایران کرد (دینوری، ۱۳۷۱: ۷۳؛ گیرشمن، ۱۳۶۶: ۲۴۹-۲۵۰). در زمان بهرام دوم، مجدداً جنگ میان ایران و روم در گرفت، «کاروس»^۳ قیصر روم تا تیسفون پیش آمد؛ اما در اثر مرگ ناگهانی او رومیان عقب نشستند (نک. کریستن سن، ۱۳۶۷: ۲۵۳). در زمان سلطنت «نرسی»، جنگ میان ایران و روم از سر گرفته شد. توافق نهایی که منجر به امضای قراردادی به نام عهدنامه نصیبین گشت، برای وی به بهای گرانی تمام شد (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۰۰-۱۹۹). امپراتور چون از توسعه کشور خویش راضی بود، صلح را به مدت چهار سال بر هم نزد (گیرشمن، ۱۳۶۶: ۲۵۳). در زمان پادشاهی طولانی «شاپور دوم» که تقریباً ۷۰ سال (۳۷۹-۳۱۰ م.) ادامه داشت (نک. مشکور، ۱۳۶۹: ۴۰۲) جنگ ایران و روم از سر گرفته شد، زیرا در فاصله حکومت دو شاپور، رومیان به برتری نظامی و سیاسی قابل توجهی در مقابل ایرانیان رسیده بودند. در این زمان امپراتوری روم در حال تجزیه به دو قسمت یکی روم شرقی و دیگری روم غربی بود. روم شرقی که در همسایگی دولت ساسانیان قرار داشت قبل از به سلطنت رسیدن شاپور دوم، قسمت‌های وسیعی از نواحی مرزی ایران را تصرف کرد (نک. گروه مولفان، ۱۳۷۵: ۷۱). تغییر آیین امپراتوری بیزانس به مسیحیت - به موجب فرمان قسطنطین در سال ۳۱۳ میلادی - نیز بر مناسبات ایران و روم اثر گذاشت (هوار، ۱۳۶۳: ۱۲۸). مرحله اول جنگ‌های ایران و روم در مناطق ارمنستان و بین‌النهرین با برتری نسبی شاپور همراه بود. امپراتور «کنستانتیوس»^۴ در گذشت و «یولیانیوس»^۵ ملقب به مرتد، نیز در سال ۳۶۳ م. در جنگ کشته شد. تلاش‌های بی‌فایده «والنسیوس (والنس)»^۶ فرمانروای جدید روم شرقی هم راه به جایی نبرد و بر اساس صلحی که از سال ۳۷۶ م. برقرار شد، مقرر شد تا هیچ کدام از دو کشور در امور ارمنستان و ایبری دخالت نکنند (نک. بلعمی، ۱۳۵۳، ۲/۹۱۰-۹۱۷؛ کریستن سن، ۱۳۶۷: ۲۶۲-۲۶۵). در میان جانشینان شاپور دوم «یزدگرد اول» به دلیل صلح‌جویی به شکل بی‌سابقه‌ای مورد اعتماد و احترام روم قرار گرفت (نک. زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۱۰-۲۱۱). در زمان بهرام پنجم، به موجب مصالحه‌ای که میان دو طرف صورت گرفت مسیحیان اجازه یافتند که در قلمرو ایران آزادانه به مراسم عبادی بپردازند. اندکی پس از پایان یافتن جنگ، مسیحیان امپراتوری ساسانی در یک شورای کلیسایی، استقلال و جدائی کلیسای ایران را از

^۲ Valerianus Augustus.

^۳ Marcus Aurelius Carus.

^۴ Constantius

^۵ Flavius Claudius Julianus

^۶ Flavius Julius Valens

آبای غربی کلیسا اعلام کردند (فرای، ۱۳۷۳: ۳/ ۲۲۶-۲۲۷). در قرن پنجم میلادی چون دولت بیزانس گرفتار اغتشاشاتی بود که در اثر هجوم اقوام مهاجم پیش می‌آمد، برای ایران چندان خطری نداشت، در همان زمان ساسانیان نیز با هجوم قبایل مختلف صحراگرد - ترکان، هونها، هیاطله - مواجه بودند و جنگ مهمی میان دو امپراتوری پیش نیامد (نک. زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۱۶-۲۲۸). در زمان «خسرو اول» یا «انوشیروان»، درگیری میان دو کشور مجدداً آغاز شد. علت از سرگیری عملیات جنگی پس از صلح اولیه، متعدد بود: نگرانی از فتوحات گسترده «یوستینیان (ژوستینیان)»،^۷ تحریکات بیزانس در روابط اعراب مرزی با ایران و نیز مداخله امپراتور در ناآرامی‌های گرجستان و ارمنستان بهانه لازم را به دست انوشیروان داد تا عملیات جنگی را در سال ۵۴۰م. آغاز کند (فرای، ۱۳۷۳: ۳/ ۲۵۲). این جنگ‌ها سال‌ها به طول انجامید. تلفات و خسارات طرفین هم غالباً سنگین بود گاهی ایرانیان و زمانی بیزانسی‌ها غالب می‌شدند؛ ولی به طور کلی برتری با سپاه ساسانی بود. تا این که در سال ۵۶۱م. قرارداد صلحی پنجاه ساله میان دو دولت به امضا رسید (دینوری، ۱۳۷۱: ۹۷-۹۹؛ فرای، ۱۳۷۳: ۳/ ۲۵۶-۲۵۷؛ پروکوپوس، ۱۳۶۵: ۱۱۵). از جمله اقدامات دیگر خسروانوشیروان در اواخر پادشاهی خود، کشاندن پای سپاهیان ایران برای اولین بار به جنوب عربستان (يمن) بود. انوشیروان در سال ۵۷۹م. پس از یک پادشاهی دراز مدت چهل و هشت ساله دیده بر جهان فرو بست (نک. بلعمی، ۱۳۵۳، ۹۷۶/۲-۹۸۱).

بعد از خسرو اول (انوشیروان)، تاج و تخت بی‌هیچ مدعی و معارض به پسرش «هرمزد» چهارم رسید. در زمان هرمزد از جنگ‌های خسته کننده میان ایران و روم که تا سال ۵۸۹م. به طول انجامید، هیچ یک از طرفین متخاصم به نتیجه قطعی نرسیدند و فرسوده شدند (نک. مشکور، ۱۳۶۹: ۴۵۲-۴۵۳). در این میان موفقیت‌های قابل توجه «بهرام چوبین» سردار هرمزد که عضو خاندان مهران رازی بود و با اشکانیان پیوستگی داشت در مقابل مهاجمان ترک، خزری، عرب و بیزانسی، و در نهایت شکست وی از دسته‌ای از سپاهیان بیزانس در کنار رودخانه ارس، بهانه لازم را به دست هرمزد - که به وجاهت و محبوبیت سردارش رشک می‌ورزید - داد تا بهرام را برکنار سازد. بهرام نیز با برپا داشتن شورش در برابر اقدام شاه واکنش نشان داد و چون اشرافیت ساسانی به حمایت از هرمزد برخاست شورشیان، هرمزد را دستگیر و در نهایت به قتل رساندند و پسرش «خسرو پرویز» را در سال ۵۹۰م. به تخت نشاندند (نک. فرای، ۱۳۷۳، ۲۶۰/۳-۲۶۱). اما بهرام دست از ادامه شورش برنداشت و به سمت پایتخت حرکت کرد. خسرو پرویز نیز به ناچار با معدودی از همراهان به جانب روم گریخت. پس از فرار وی بهرام چوبین وارد تیسفون شد و بی‌آن که به رأی و تأیید بزرگان اعتنا کند، تاج سلطنت را بر سر نهاد و به نام خود سکه زد (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۴۳-۲۴۴). خسرو پرویز که به دربار «موریس» پناه برده بود، موفق شد با دادن امتیازات بسیار حمایت امپراتور روم را نسبت به خود جلب کند؛ در نتیجه امپراتور سپاهی از رومیان را در اختیار او گذاشت که به کمک آنان توانست بهرام را شکست دهد و تاج و تخت خود را به دست آورد (نک. دینوری، ۱۳۷۱: ۱۲۱-۱۲۲)، بهرام

⁷ Flavius Iustinus Augustus

نیز به نزد ترکان گریخت و مدتی بعد کشته شد. این کمک بیزانس به بهای صلحی گران تمام شد؛ ایران تقریباً همهٔ ارمنستان را از دست داد و سرحد روم به دریاچه وان و تفلیس رسید (گیرشمن، ۱۳۶۶: ۳۶۷). از این پس رویدادهایی که در بیزانس می‌گذشت حتی مسائل داخلی امپراتوری ساسانی را نیز تحت الشعاع قرار می‌داد. در سال ۶۰۲م. سپاه بیزانس در سرزمین‌های بالکان سر به شورش برداشت و به رهبری یکی از افسران به نام «فوکاس»^۸ راهی پایتخت گردید. موریس به ناچار راه فرار در پیش گرفت اما دستگیر و همراه فرزندانش به قتل رسید (نک. فرای، ۱۳۷۳: ۳/ ۲۶۲-۲۶۴).

۱-۲- جنگ‌های ایران و روم در زمان خسرو پرویز

تحولات روم، بهانه لازم را به دست خسرو پرویز داد تا جنگی جدید را با رومیان آغاز کند؛ سپاه ایران به ارمنستان و بین‌النهرین تاخت و در مدت زمان کوتاهی سردار وی «شهر براز» ادسا، انطاکیه، دمشق و سپس اورشلیم و مصر را فتح کرد و صلیب مقدس را به تیسفون انتقال داد. «شاهین» سردار دیگر خسرو نیز مناطق زیادی در آسیای صغیر را تصرف کرد (نک. هوار، ۱۳۶۶: ۱۳۶؛ کریستن سن، ۱۳۶۷: ۴۳۸). در طرف مقابل وقتی کوشش‌های هراکلیوس (هرقل) که جانشین فوکاس شده بود، برای برقراری صلح بی‌نتیجه ماند و سپاه ساسانی به پیشروی خود ادامه داد، کلیسای روم اقدام به هزینه کردن طلا و نقره نمود و امپراتور علیه دشمن اعلان جهاد داد؛ هراکلیوس در آوریل سال ۶۲۲م. با سپاهی از طریق دریای سیاه به داخل قلمرو ارمنستان لشکرکشی کرده و بدین ترتیب ساسانیان را از پهلو مورد حمله قرار داد (فرای، ۱۳۷۳: ۳/ ۳۶۴-۳۶۶). در نهایت رومیان از پیشروی سپاه ایران جلوگیری و آنان را مجبور به عقب‌نشینی از آسیای صغیر و ارمنستان نموده و به آذربایجان رسیدند. در سال ۶۲۳م. شهر کنزک توسط رومیان تسخیر و آتشکدهٔ بزرگ آذرگشنسپ ویران شد (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۴۶۹). با شکست سپاه خسرو در کاکسدون شهر قسطنطنیه نیز از تهدید محاصره نجات یافت. بدین ترتیب در طی حدود شش سال هراکلیوس موفق شد نه تنها با مغلوب ساختن سپاه خسرو آنان را از قلمرو روم اخراج نماید. با پیشروی رومیان به سمت نصیبین و نینوا (موصل)، «دستگرد خسرو» نیز که مقر پادشاه و محل نگه‌داری خزائن وی بود، در سال ۶۲۷م. به دست دشمن افتاد، و پادشاه ساسانی ناچار به تیسفون گریخت (نک. دینوری، ۱۳۷۱: ۱۳۶-۱۳۷). در همین حال خسرو، پیشنهاد صلح امپراتور روم، مبنی بر بازگشت طرفین به مواضع قبل از جنگ را رد کرد. در تیسفون، خسرو پرویز با مخالفت عمومی توده مردم و شورش سرداران خود مواجه شد، و بزرگان خسرو را از سلطنت برکنار و زندانی کردند و فرزندش «شیرویه» را با نام «قباد دوم» در سال ۶۲۸م. به سلطنت رساندند. خسرو پرویز نیز چند روز بعد در زندان به قتل رسید (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۵۵). قباد دوم (شیرویه) کمتر از یک سال بعد در سال ۶۲۹م. احتمالاً بواسطهٔ ابتلا به بیماری طاعون درگذشت. بزرگان ساسانی پسرش «اردشیر سوم» را که هنوز کودکی خردسال بود به جای وی بر تخت نشاندند. شهربراز سردار خسرو پرویز، با برخورداری از حمایت هراکلیوس امپراتور روم، عازم تصرف

^۸ Flavius Phocas Augustus

تیسفون شد و در سال ۶۲۹م. اردشیر را به قتل رساند و خود بر تخت شاهی نشست؛ اما در کمتر از دو ماه به قتل رسید. بعد از او «پوران‌دخت» دختر خسرو پرویز را به سلطنت نشان‌دند، اولین زنی که در ایران به طور رسمی به عنوان پادشاه مستقل بر تخت نشست؛ اما او نیز پس از کمتر از یک سال پادشاهی درگذشت. بعد از وی در طی حدود سه سال «آذرمدخت» خواهر پوران، «پیروز دوم»، «هرمزد پنجم» و «خسرو چهارم» یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند. سرانجام اعیان در سال ۶۳۲م. «یزدگرد سوم» نواده خسرو دوم را که تقریباً آخرین عضو زنده دودمان ساسانی بود، به پادشاهی برداشتند (نک. فرای، ۱۳۷۳: ۳/ ۲۶۶-۲۶۷؛ کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۲۱-۵۲۲).

یزدگرد سوم در دومین سال سلطنت در مرزهای غربی و مجاور تختگاه خویش با تهدید اعراب و تاخت و تاز سرکرده‌های قبایل روبرو شد که این بار محرک آن‌ها نشر دین تازه‌ای به نام اسلام در بین اقوام مهاجم بود (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۴۲). آیین الهی تازه‌ای مبنی بر تلقی وحی و نبوت که شارح و بنیان‌گذار آن «محمد بن عبدالله (ص)» آن را به عنوان آخرین دین الهی عرضه و حتی پادشاهان عصر از جمله خسرو پرویز را با ارسال نامه و پیام متابعت به آن دعوت کرده بود، اگرچه خسرو پرویز این دعوت را با خشونت و غرور رد کرده بود. رسول خدا زوال ملک او و پیروزی اسلام را بر قلمرو او و حریف رومی او به پیروان خویش وعده داده بود (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۵۵). اینک ابوبکر خلیفه اول با تجهیز اعراب مسلمان، ایران را از جانب حیره، و روم را از جانب سوریه در معرض خطر و تهدید قرار داده بود (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۴۲-۱۴۳). دعوت رسول خدا (ص) در این ایام به صورت تهدید نه تنها سلطنت نواده او بلکه فرمانروایی خاندان چهارصد ساله او را با خطر فنا مواجه ساخته بود (نک. بلعمی، ۱۳۵۳، ۲/ ۱۱۴۵-۱۲۱۱؛ زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۵۵).

درگیری میان اعراب مسلمان و ساسانیان که از سال ۶۳۳م. ۱۲ه.ق. و دوره خلافت ابوبکر آغاز شده بود، در زمان عمر بن خطاب نیز دنبال شد و تیسفون پایتخت ساسانیان به تصرف سپاهیان مسلمان درآمد. سپاه ساسانی به دلایل متعدد در سال ۶۳۷م. ۱۶ه.ق. در جنگ قادسیه شکست سختی خورد و آخرین تلاش‌های یزدگرد سوم برای حفظ تاج و تخت در نبرد نهاوند (فتح الفتوح) به سال ۶۴۲م. ناکام ماند. یزدگرد که به نواحی دور افتاده کشور گریخته بود، در سال ۶۵۳م. ۲۱ه.ق. در مرو به قتل رسید (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۷۵-۱۷۶) و با مرگ وی سلسله ساسانیان و حکومت شاهنشاهی ایران باستان به پایان رسید.

۱-۳- جنگ‌های ساسانیان و رومیان از نگاه قرآن

یکی از موضوعات مهم و مرتبط با تاریخ ایران در عصر ساسانیان، پیش‌گویی قرآن از نتیجه جنگ‌های ایران و روم در زمان سلطنت خسرو پرویز است، چنان‌که یکی از طرق اثبات اعجاز قرآن، خبرهای غیبی است.^۹ که یک

^۹ منظور از امور غیب، امور مخفی و پنهانی است که با وسائل عادی در اختیار بشر، اطلاع از آنها ممکن نیست و از طریق اندیشه و فکر و محاسبات، نمی‌توان آن را کشف نمود.

نمونه روشن آن در آیات نخستین سوره مبارکه روم آمده و در طی چند آیه با انواع تأکیدات از پیروزی بزرگ یک ارتش شکست خورده (روم) در چند سال بعد خبر داده و آن را به عنوان یک وعده تخلف ناپذیر الهی معرفی می‌کند. خداوند در آیات ۱-۷ سوره روم می‌فرماید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ *

فِي بضعِ سنينَ لله الأمرُ من قبلِ و من بعدِ و يؤمئذٍ يفرحُ المؤمنونَ *

بنصرِ الله ينصرونَ من يشاء و هو العزيزُ الرحيمُ *

وعد الله لا يخلفُ الله وعده و لكن أكثرَ الناس لا يعلمون *

يعلمونَ ظاهراً من الأحيوة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون *

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

«الم، رومیان مغلوب شدند (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد، اما آن‌ها بعد از مغلوبیت به زودی غلبه خواهند کرد در چند سال، همه کارها از آن خداست، چه قبل و چه بعد از این شکست و پیروزی، و در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد به سبب یاری پروردگار. خداوند هر کس را بخواهد نصرت می‌دهد و او عزیز و حکیم است. این چیزی است که خدا وعده کرده و وعده الهی هرگز تخلف نمی‌پذیرد ولی اکثر مردم نمی‌دانند آن‌ها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت (و پایان کار) بی‌خبرند» (روم / ۱-۷).

منظور از «و این شکست در سرزمین نزدیکی واقع شد نزدیک به شما مردم مکه»، معلوم می‌شود که منظور از «روم»، روم شرقی است و نه روم غربی. بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که منظور نقطه نزدیکی به سرزمین ایرانیان بوده است یعنی در محلی واقع شد که نزدیک‌ترین نقطه میان ایران و روم بود (نک. شیخ طوسی، بی‌تا: الجزء الثامن: ۲۲۸) تفسیر دیگری وجود دارد و آن این است که منظور از زمین، زمین روم است، یعنی آن‌ها در نزدیک‌ترین سرحداتشان با ایران گرفتار شکست شدند و این اشاره به اهمیت و عمق این شکست است. چرا که شکست در نقطه‌های دور دست و مرزهای بعید، چندان مهم نیست، مهم آن است که کشوری در نزدیکترین مرزهایش به دشمن که از همه جا قوی‌تر و نیرومندتر است گرفتار شکست شود. بنابراین ذکر جمله «فی ادنی الارض» اشاره‌ای خواهد بود به اهمیت این شکست و طبعاً پیش‌گویی از پیروزی طرف مغلوب ظرف چند سال آینده واجد اهمیت بیشتری خواهد بود که جز از طریق اعجاز قابل پیش‌بینی نیست» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ۱۶/۳۶۲-۳۶۱). به اعتقاد علامه طباطبائی، «ظاهراً مراد به کلمه «ارض» سرزمین حجاز و مراد «ادنی الارض» نزدیکی‌های این سرزمین است و لام در کلمه «الارض» لام عهد است» (طباطبائی، ۱۳۶۷، ۱۶/۲۴۵).

در آیات ذکر شده خداوند از یک سو خبر از اصل پیروزی می‌دهد: «وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» و از سوی دیگر خبر از پیروزی دیگری برای مسلمانان بر کفار مقارن همان زمان: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ» و از دیگر سو،

تصریح می‌کند که این امر در چند سال آینده به وقوع خواهد پیوست: «فِي بَضْعِ سِنِينَ». و از سوی چهارم با دو بار تأکید، قطعی بودن این وعده الهی را مسجل می‌کند: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ». (نک. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۶/۳۶۵-۳۶۶؛ طبرسی، ۱۳۵۶: ۱۹/۹۵-۹۶).

قرآن حدود سال‌های وقوع غلبه رومیان بر ساسانیان، پس از شکست اولیه را با این عبارت بیان می‌کند: «فِي بَضْعِ سِنِينَ» (در چند سال). در مورد معنی «بضع» قول مشهور آن است که اعداد سه تا نه را با این تعبیر بیان می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۶/۲۴۵). سپس قرآن ادامه می‌دهد: «اللَّهُ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ بَعْدِ» و اگر می‌بینید خداوند از آینده خبر می‌دهد به خاطر آن است که «همه چیز و همه کار به دست اوست چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی این قوم شکست خورده» (طبرسی، ۱۳۵۶: ۱۹/۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۶/۲۴۶). بنابراین نکته مهم و قابل ذکر در مورد نزول آیات نخستین سوره روم و مسائل مطرح شده در آن‌ها، تطبیق زمانی پیش‌گویی قرآن با وقایع تاریخی آینده است. خبر از آینده‌ای که هیچ کس از آن خبر ندارد؛ ولی قرآن خبر می‌دهد و با دقت و قاطعیت اعلام می‌کند در کی؟ و در چه وقت؟ در موقعی که رومی‌ها شکست خوردند. رسول خدا از قول وحی، نه از اظهار نظر شخصی، آیه‌ای را که به او وحی شده است، اعلام می‌کند که در مدت اند سال دیگر، یعنی کمتر از نه سال، حتماً رومی‌های شکست خورده، پیروز خواهند شد. و این، یک پیش‌بینی است که کوچکترین تردیدی در آن نیست. زیرا اگر کوچک‌ترین تردیدی می‌داشت، پیامبر اعلام نمی‌کرد (شریعتی، ۱۳۸۹: ۱۴).

در هر حال، سوره روم با وعده‌ای از خداوند آغاز شده و آن این است که به زودی امپراتوری روم که در ایام نزول این سوره از امپراتوری ایران شکست خورده، بعد از چند سال بر ایرانیان غلبه خواهد کرد؛ و بعد از ذکر این وعده منتقل می‌شود به وعده گاه اکبر که قیامت و یوم‌الوعدهش گویند. روزی که تمام افراد و اقوام در آن روز به سوی خدا باز می‌گردند، پس معلوم شد که غرض سوره وعده دادن قطعی خدا به یاری دین است، و اگر قبل از بیان این غرض مسأله وعده غلبه روم را در چند سال بعد ذکر کرد برای این بود که مؤمنین وقتی دیدند که وعده غلبه روم عملی شد، یقین کنند که وعده دیگر خدا نیز عملی خواهد شد و نیز یقین کنند، وعده آمدن قیامت هم مانند سایر وعده‌هایش عملی می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۶/۲۴۵).

در این جا برای تبیین بهتر مسأله، بی‌مناسبت نیست تا اشاره‌ای کوتاه نیز به روابط ساسانیان و اعراب داشته باشیم: اگر چه از روزگار دیرین ایران به درجات مختلف با اعراب نزدیکی و مناسبات دوستانه داشته است اما در دوره مورد بحث ما - یعنی در زمان پادشاهی خسرو پرویز در ایران و رسالت پیامبر (ص) در مکه - اکثر اعراب حجاز به دلایل اقتصادی و اجتماعی گوناگون نسبت به ساسانیان نظر مساعدی نداشتند. در این روزگار ایران و روم در جنگ بودند و در غالب موارد پیروزی با ایران بود (نک. هوار، ۱۳۶۶: ۱۳۶). اعراب حجاز از دیرباز با رومیان روابط تجاری مستحکمی داشتند. استفاده سرشاری که اعراب حجاز از کشور روم بر می‌گرفتند، باعث می‌گردید باطناً به آن سوی تمایل پیدا کرده از دشمنان روم یعنی ایرانیان رویگردان شوند. علی‌رغم تمام این عوامل، گروهی

از کفار قریش نسبت به ایرانیان میل بیشتری نشان می‌دادند و طالب پیروزی آنان بودند (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۲۴۰-۲۴۱). روایت دیگری که به وضوح میل کفار قریش را نسبت به ایرانیان بازگو می‌کند، داستان شرطبندی ابوبکر یا «ابی بن خلف جمحی» است (نک. بلعمی، ۱۳۵۳، ۲/ ۱۰۹۶-۱۰۹۷؛ آذرنوش، ۱۳۷۴: ۲۴۲).

برخی از مفسران و مورخین، با استناد به روایت زهری معتقدند، در این زمان مشرکین مکه با مسلمانان به جدال پرداخته و می‌گفتند دیدید، ملت روم اهل کتاب بوده و آیین آسمانی (مسیحیت) داشتند و ملت فارس بر آنان پیروز شدند، اکنون شما مسلمانان که خود را اهل کتاب یعنی قرآن می‌دانید که بر پیامبر شما نازل آمده، بزودی ما بت پرستان مکه بر شما پیروز خواهیم شد؛ همان‌طور که سپاه فارس بر سپاه روم پیروز شدند. در این وقت خداوند «الم * غلیت الروم فی ادنی الارض و هم بعد غلبهم سیغلبون» را نازل فرمود (طبرسی، ۱۳۵۶، ج ۱۹: ۹۷-۹۸؛ بلعمی، ۱۳۵۳، ۲/ ۱۰۹۵-۱۰۹۶).

در هر حال در تفسیر آیات آغازین سوره روم، بین مفسرین تا حد زیادی اتفاق نظر وجود دارد، اما نکته قابل تأمل که مرتبط با سوال اصلی پژوهش حاضر و محل اختلاف در اقوال مفسرین است. آیه چهارم سوره روم است، جایی که خداوند می‌فرماید: «و یؤمنذ یفرح المؤمنون بنصرالله ی نصر من یشاء و هو العزیز الرحیم». در ادامه نظرات و دیدگاه‌های مختلف در مورد تفسیر این آیه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۲- نقد و بررسی دیدگاه‌های موجود در مورد دلایل خوشحالی مسلمانان

در مورد دلایل شادی مسلمانان پس از نزول آیات اولیه سوره روم، در مجموع سه دیدگاه اصلی در میان مفسرین شیعه و اهل سنت وجود دارد:

۲-۱ دیدگاه اول: شادی مسلمانان به خاطر غلبه رومیان بر ایرانیان

معتقدان به این دیدگاه، علت خوشحالی مسلمانان را پیروزی رومیان موحد بر ایرانیان کافر می‌دانند. یکی از پیشگامان طرح این رهیافت، جارالله زمخشری است. وی در شأن نزول و تفسیر سوره روم می‌نویسد: «قیل (گفته شده) فغلبت فارس الروم (فارس بر روم پیروز شد) فبلغ الخبر مکه فشق علی النبی صلی الله علیه و سلم و المسلمین (وقتی خبر شکست رومی‌ها به پیامبر و مسلمانان رسید آنان ناراحت شدند) لان فارس مجوس لاکتاب لهم و الروم اهل الکتاب (چون فارس‌ها مجوس بودند و کتاب آسمانی نداشتند در حالی که رومی‌ها اهل کتاب محسوب می‌شدند) و فرح المشرکون و شمتوا (از این بابت مشرکان خوشحال بودند و پیامبر و مسلمانان را شماتت می‌کردند) و قالوا: انتم و النصاری اهل الکتاب و نحن و فارس امیون و قد ظهر اجواتنا علی اخوانکم و لتطهرن نحن علیکم، فنزلت (مشرکان می‌گفتند: شما مسلمانان و نصارا اهل کتابید در حالی که ما و فارس امی هستیم) کتاب نداریم) و در حالی که برادران ما (فارس) بر برادران شما (روم) پیروز شده‌اند و در آینده ما نیز حتماً بر شما پیروز خواهیم شد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۴۴۶-۴۴۷). در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که، زمخشری در تفسیر بخشی از آیه چهارم سوره روم، «یؤمنذ یفرح المؤمنون»، که به موضوع خوشحالی مسلمانان اشاره می‌کند، دلیل

شادی مسلمانان را شنیدن خبر پیروزی رومیان اهل کتاب بر فارس‌های امی می‌داند. زیرا به اعتقاد وی مسلمانان پس از اطلاع از این موضوع که به زودی رومیان، ایرانیان مجوس را شکست خواهند داد، به شادی پرداختند. زمخشری درباره این آیه نظر دیگری هم از «ابوسعید خدری» نقل می‌کند، و ظاهراً آن را نمی‌پذیرد چون این آیه را بر اساس دیدگاهی که خود بدان اعتقاد داشته، تفسیر کرده است.

شیخ طبرسی نیز در تفسیر آیات اولیه سوره روم می‌نویسد: «غلبت الروم. مفسرین می‌گویند که یعنی اهل فارس بر رومیان غالب شدند و آن در زمان حیات رسول خدا(ص) بوده و به منظور این پیروزی قریش خوشحال و ابراز احساسات می‌نمودند چون فارس [به زعم آنان] در آن زمان کافر بودند و اما مسلمانان اظهار تأثر می‌کردند. چون بیت المقدس قبله مسلمین بوده و به دست کفار افتاده از این جهت ناراحت بودند(طبرسی، ۱۳۵۶: ۱۹/۹۵-۹۶).

جرجانی نیز در تفسیر گازر در شأن نزول این آیات می‌نویسد: «و چون خبر غلبه فارس بر روم به رسول (ص) رسید دل‌تنگ شد برای آن که رومیان اهل کتاب بودند و فارسیان گبر، و ایشان را کتاب نبود. مشرکان شاد شدند و این را به فال گرفتند و گفتند: پارسیان را کتاب نیست و ما را هم نیست ایشان بر رومیان که اهل کتاب‌اند غلبه کردند ما نیز بر شما غلبه کنیم خدای تعالی این آیات فرستاد»(الجرجانی، ۱۳۷۸: ۷/۲۳۴-۲۳۵).

حسین بن مسعود بغوی نیز در تفسیر خود، همین دیدگاه را دارد. اگرچه او قول دیگری هم از «اسدی» در این باره نقل می‌کند(نک. بغوی، ۱۳۳۲ق، ۵۷۱/۳). بسیاری دیگر از مفسران اهل سنت نیز دیدگاه زمخشری را دارند. مفسرانی چون، آلوسی در روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی (نک. آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۱/۲۲-۲۳)؛ بیضاوی در انوار التنزیل و اسرار التأویل (نک. بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۲۰۱/۴)؛ محمد بن احمد قرطبی در الجامع لأحكام القرآن (نک. قرطبی، ۱۳۶۴: ۲/۴)؛ نسفی در مدارک التنزیل و حقائق التأویل (نک. نسفی، ۱۴۱۹، ۳/۳۸۵)؛ ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۲۹۴/۷) و محمد بن جریر طبری در جامع البیان فی تفسیر القرآن (نک. طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۲/۲۱). با کمی اختلاف دیدگاه مشابهی در این موضوع دارند. برخی از علمای شیعه نیز با دیدگاه بالا در مورد علت خوشحالی مسلمانان پس از نزول آیات اولیه سوره روم موافقت دارند، چنان‌چه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، با ذکر جمله «و یوم یغلب الروم یفرح المؤمنون بنصر الله الروم». به نظر می‌رسد، همانند اکثریت مفسرین اهل سنت تا حدی دیدگاه اول را پذیرفته است. اگرچه وی اضافه می‌کند، معنای آیه «و یؤمنذ یفرح المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم» این است که روزی که روم غلبه می‌کند مؤمنان به نصرت خدا - که وعده دیگر اوست خوشحال می‌شوند - و با خود می‌گویند خدا دو وعده داده بود، یکی پیش‌گویی غلبه روم بود و دوم یاری شدن مؤمنان، اولی صورت خارج به خود گرفت، پس معلوم می‌شود آن دیگری هم خواهد شد(طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۶/۲۴۶-۲۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۶/۲۳۴-۲۳۶).

شیخ طوسی نیز در تفسیر این آیه می‌نویسد: «سپس فرمود: و در آن روز مؤمنان شاد می‌شوند، یعنی روزی که رومیان بر ایرانیان پیروز می‌شوند. مؤمنان به امید این که مشرکان را شکست دهند، شاد می‌شوند. سپس توضیح داد

که به چه چیزی شاد می‌شوند و فرمود: به پیروزی خداوند. او هر که از بندگانش را بخواهد یاری می‌دهد» (شیخ طوسی، بی تا: ۲۲۹/۸). مفسرین دیگری چون صادقی در البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن (صادقی تهرانی، ۱۳۷۷: ۴۰۵/۱)؛ سبزواری در إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن (سبزواری، ۱۴۱۹ق: ۴۰۹). نیز دیدگاه مشابهی دارند.

دیدگاه خوشحالی از شنیدن خبر پیروزی رومیان بر ایرانیان، به دلایل زیر درست به نظر نمی‌رسد:

۱. طبق آیه ۱۷ سوره مبارکه حج، «المجوس» در برابر مشرکان قرار گرفته است بنابراین باید مجوس‌ها اهل کتاب باشند، در حالی که زمخشری و برخی از مفسرین دیگر، آن‌ها را همانند مشرکان امی (بدون کتاب) می‌دانند.
 ۲. واژه «یومئذ» به معنای (امروز) است. اگر منظور از «یومئذ» روزی باشد که فارس‌ها بر رومی‌ها پیروز شدند، مشکلی که بوجود می‌آید این است که چطور در همان روز امکان داشته است مکی‌ها (مشرکان مکه) از این پیروزی خبردار شوند. در حالی که امکانات خبر رسانی با چنین سرعتی در آن زمان فراهم نبوده است.
- علی شریعتی نیز ضمن رد نظرات مفسرین معتقد به دیدگاه اول، در این باره می‌نویسد: «اولاً، زرتشتی‌ها در عصر پیغمبر، مثل مسیحی‌ها اهل کتاب تلقی می‌شدند و [...] ثانیاً، این چه افتخاری است برای مومنینی که در زیر ضربان شکنجه امیه بن خلف جان می‌دهند؟ و چرا باید از پیروزی امپراتور روم شادمان بشوند؟ این چه جور خوشحالی است؟» (شریعتی، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹).

گروهی از صاحبان تفسیرهای روایی، خوشحالی مسلمانان از پیروزی رومیان بر ساسانیان را نه به خاطر این که ایرانیان مجوس و رومیان صاحب کتاب بوده‌اند، بلکه به علت نوع رفتار و برخورد متفاوت پادشاهان ایران و روم با دعوت اسلامی پیامبر می‌دانند. ابو عبیده نقل می‌کند: از امام باقر (ابو جعفر) درباره کلام خدای عزوجل «الم غلبت الروم فی ادنی الارض» سوال کردم فرمود: «ای ابو عبیده! این تاویلی دارد که جز خدا و آنان که از آل محمد (ص) در علم استوارند، کسی آن را نمی‌داند. رسول خدا (ص) آنگاه که به مدینه مهاجرت فرمود؛ نامه‌ای به پادشاه ایران نوشت و وی را به پذیرش اسلام فراخواند و این نامه را با سفیر خود برایش فرستاد. پادشاه روم به نامه رسول خدا (ص) احترام گذاشت و سفیر او را تکریم نمود اما پادشاه ایران به نامه رسول خدا (ص) توهین نموده و آن را پاره کرد و سفیر او را نیز مورد اهانت قرار داد. ارسال نامه‌های رسول خدا (ص) مصادف با جنگ ایران و روم بود و مسلمانان تمایل داشتند که پادشاه روم بر پادشاه ایران غلبه کند و بیشتر طرفدار پادشاه روم بودند تا پادشاه ایران و چون پادشاه ایران، پادشاه روم را شکست داد، مسلمانان را خوش نیامد و از این بابت غمگین شدند. پس خداوند در این مورد آیاتی از قرآن را نازل فرمود» (نک. العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ۴ / ۱۶۹-۱۷۰؛ برازش، ۱۳۹۴: ۱۱ / ۴۳۳-۴۳۵). در هر حال این دسته از مفسرین با اندکی اختلاف نظر، در مجموع علت خوشحالی مومنان را آگاهی از خبر شکست ایران از روم می‌دانند.

۲-۲- دیدگاه دوم: شادی مسلمانان به دلیل پیروزی در جنگ بدر یا صلح حدیبیه یا فتح ایران

پیش از بررسی دیدگاه دوم در مورد علت خوشحالی مسلمانان، لازم است به این موضوع نیز اشاره کنیم که در مورد زمان نزول آیات اولیه سوره روم، دو قول معروف وجود دارد. برخی از مفسرین معتقدند این آیات در سال دوم هجری و در روز پیروزی مسلمانان در جنگ بدر به پیامبر (ص) ابلاغ شد، و به اعتقاد گروهی دیگر زمان ابلاغ این آیات در سال ششم هجری و به هنگام انعقاد پیمان صلح حدیبیه میان رسول خدا و مشرکان مکه بوده است. بر همین اساس جمعی از مفسرین دلیل خوشحالی مسلمانان را نه آگاهی از خبر پیروزی رومیان بر ایرانیان، بلکه به علت موفقیت و پیروزی خود مسلمین بر مشرکان قریش و هم‌زمانی این دو واقعه می‌دانند. چنان‌که فخر رازی ضمن رد دیدگاه اول، در باره علت خوشحالی مسلمانان می‌نویسد: «قیل یفرحون بغلبه الروم علی الفرس کما فرح المشرکون بغلبه الفرس علی الروم (یعنی برخی گفته‌اند شادی مسلمانان به خاطر پیروزی روم بر فارس بوده چنان‌که وقتی فارس بر روم پیروز شد مشرکان خوشحال شدند) و بعد اضافه می‌کند که: «والاصح انهم یفرحون بغلبتهم المشرکین و ذلک لان غلبه المسلمین المشرکین بدر، ولو کان المراد ما ذکره لما صح لأن فی ذلک الیوم بعینه لم یصل إلیهم خبر الکسر فلا یکون فرحهم یومئذ بل الفرح یحصل بعده». یعنی: آنچه صحیح‌تر است آن است که مسلمانان به خاطر پیروزی بر مشرکان در جنگ بدر خوشحال شدند، چون این پیروزی مصادف شده بود با غلبه رومیان بر فارس‌ها، و خوشحالی مسلمانان به دلیل پیروزی رومیان نمی‌تواند صحیح باشد، چون نمی‌شود و امکان ندارد که در روز پیروزی آن‌ها خبر به مسلمانان مخابره شود، تا آن‌ها را شاد و خوشحال کند بلکه این شادی و خوشحالی بعداً اتفاق خواهد افتاد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۵ / ۷۹-۸۱).

برخی دیگر از مفسران اهل سنت و شیعه نیز یا همین دیدگاه را دارند و یا به عنوان یک احتمال آن را یادآوری کرده‌اند. ابن عطیه، در المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (نک. ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴ / ۳۲۸)؛ دینوری در الواضح فی تفسیر القرآن معروف به تفسیر ابن وهب (دینوری، ۱۴۲۴ق: ج ۲ / ۱۴۷)، همین عقیده را دارند. جرجانی نیز معتقد است وقتی رومیان ملک فارس را گرفتند روز حدیبیه بود خبر که به رسول (ص) آمد، پیامبر و مسلمانان شاد شدند (الجرجانی، ۱۳۷۸ق: ۷ / ۲۳۸-۲۳۹). شیخ طوسی نیز ضمن پذیرش این دیدگاه (شیخ طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۲۹). در ادامه به تحقق وعده الهی در این ماجرا نیز اشاره دارد و می‌نویسد: «آنچه خداوند متعال ذکر کرده است که رومیان بعداً فارس را شکست خواهند داد، وعده‌ای است، وعده‌ی خدا، که وعده‌اش را خلاف نمی‌کند» (همان: ۲۳۱).

به روایت ابن عباس، رسول خدا زمانی با مشرکان عرب رویارو شد که روم و فارس نیز با هم رویارو شدند. خداوند پیامبر و مسلمانان همراه حضرت را بر مشرکان عرب یاری داد و اهل کتاب را بر مشرکین غیر عرب یاری داد. این چنین مومنان از این که خداوند آنان را بر مشرکان و اهل کتاب را بر عجم یاری داده بود، شادمان شدند (برازش، ۱۳۹۴: ۴۳۷/۱۱).

صاحب تفسیر مجمع البیان نیز دلیل شادمانی مومنان را عواملی چون اندوه مشرکان از این امر و تأیید خبر خداوند متعال و رسولش و نیز به این دلیل که این امر مقدمه‌ای برای پیروزی آن‌ها بر مشرکان و تحقق وعده خداوند و نیز وعده او در مورد پیروزی رومیان بر ایران، می‌داند. طبرسی پیروزی رومیان بر ایرانیان را ابتدا در زمان صلح حدیبیه و سپس به نقل از سفیان ثوری در روز نبرد بدر ثبت کرده و می‌نویسد: «... پس مسلمانان از پیروزی اهل کتاب شادمان شدند. سپس خداوند پیامبر(ص) و مسلمانان همراه او را بر مشرکان عرب پیروز کرد و اهل کتاب را بر مشرکان فارس پیروز گردانید. پس مسلمانان از پیروزی خداوند برای خود و پیروزی اهل کتاب بر ایرانیان شادمان شدند(طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۴۶۰/۸-۴۶۱).

برخی دیگر از مفسرین نیز ضمن تأیید کلیات دیدگاه بالا معتقدند مقصود آیه از روزی که مومنین شاد می‌شوند، روز فتح ایران توسط اعراب مسلمان در سال ۱۶هـ.ق. است. صاحب کتاب الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ضمن پذیرش دیدگاه بالا روایت دیگری را نیز ذکر می‌کند و در این باره می‌نویسد: «اتفاقاً این روز با روز پیروزی مؤمنان در بدر مصادف شد. جبرئیل علیه‌السلام نازل شد و پیامبر را از پیروزی رومیان بر ایرانیان مطلع کرد. آن‌ها از پیروزی خداوند شادمان شدند. روایت شده است که روزی که مؤمنان از پیروزی خداوند شادمان می‌شوند، روزی است که مسلمانان به ایران حمله کردند و آن را فتح کردند و از آن شادمان شدند»(سبزواری، ۱۴۰۲ق: ۵/۳۴۷).

۲-۳- دیدگاه سوم: شادی مسلمانان به خاطر صدق خبر پیامبر اکرم(ص)

به اعتقاد گروهی دیگر از مفسرین، دلیل واقعی خوشحالی مسلمانان پس از نزول آیات آغازین سوره روم، تحقق پیش‌گویی قرآن کریم و صدق گفتار پیامبر(ص) بوده است. خداوند فرموده است: «به این نام‌ها و حروف سوگند می‌خورم که رومیان بر ایرانیان پیروز خواهند شد». این عبارت به صورت گذشته است، اگرچه شکست آن‌ها پس از زمان نزول آیه رخ داده است، زیرا وقوع آن حتمی بوده است(سبزواری، ۱۴۰۲ق: ۵/۳۴۶). حسینی همدانی نیز در تفسیر آیه، «و یومئذ یفرح المؤمنون»، می‌نویسد: «بیان آن است که در آن روز که کشور روم بر کشور فارس غلبه می‌نماید مسلمانان مسرور و خوشنود خواهند بود. گفته شده که این واقعه مطابق با سال نهم [ششم] جنگ حدیبیه و قرارداد افتخارآمیز آن بوده و انجام وعده‌ای است که پروردگار به رسول گرامی صلی الله علیه و آله درباره نصرت و غلبه اسلام بر شرک داده و آن فتح مکه بود که در سال دهم [هشتم] رخ داده است(حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۱۲/۳۸۴). بنابراین از این منظر، آن چیزی که سبب شادی مسلمانان گردیده، تحقق وعده خداوند مبنی بر پیروزی مسلمانان بر مشرکین بوده است.

علامه سیدهاشم بحرانی نیز در تفسیر خود، روایتی از امام پنجم به نقل از ابو عبیده در این باره آورده است: «...» و چون مسلمانان ایران را فتح کردند به این نصرت خدای عزوجل شادمان شدند. عرض کردم: مگر خدای عزوجل نمی‌فرماید: «فی بضع سنین» و حال آن‌که مسلمانان سال‌های بسیاری را با رسول خدا(ص) و در حکومت ابوبکر گذراندند و غلبه مومنان بر ایران در حکومت عمر اتفاق افتاد؟ امام فرمود: مگر به شما نگفتم که این آیات هم

تأویل دارند و هم تفسیر؟! و قرآن (ای ابو عبیده) آیات ناسخ و منسوخ دارد. مگر نشنیده‌ای که خدای عزوجل می‌فرماید: «لله الامر من قبل و من بعد» یعنی این که تحقق قول او بستگی به مشیت وی دارد و هر گونه که بخواهد مقدم و موخر می‌دارد تا این که روزی پیروزی خویش را نصیب مؤمنان فرماید، و این همان قول خدای عزوجل است که: «و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله» روزی حکم خدا مبنی بر پیروزی تحقق می‌یابد (بحرانی، ۱۳۸۹: ۲۱۱/۷). ماتریدی نیز ضمن طرح نظرات مختلف، دلیل اصلی خوشحالی مسلمانان را اثبات وعده خداوند و حقانیت پیامبرش می‌داند: «این بزرگترین و مهم‌ترین نشانه حقانیت رسول او و شادی مؤمنان و یادآوری پیروزی خدا در آشکار کردن این نشانه در تأیید رسولش است، زیرا او هنگامی که حقانیت و رسالت خود را نشان داد، به رسول خود پیروزی بخشید و شادی آن‌ها در اثبات نشانه بزرگی از رسالت و نبوت پیامبرشان بود». ماتریدی در ادامه نتیجه می‌گیرد که، مؤمنان از پیروزی خداوند، که با نشان دادن نشانه‌ی اثبات رسالت، نبوت و حقانیت پیامبرش، به او پیروزی بخشید، آرامش یافتند. آن پیروزی از آن اوست. آنچه برخی از اهل تأویل می‌گویند: «که دلیل شادی [پیروزی رومیان بر ایرانیان] بوده»، دور از ذهن است» (ماتریدی، ۱۳۲۶ق: ۸/۲۴۹-۲۵۱). نحاس نیز در تفسیر آیه، «و یومئذ یفرح المومنون»، (و در آن روز مؤمنان خوشحال می‌شوند). ضمن آوردن نظرات و دیدگاه‌های مختلف در مورد علت خوشحالی مسلمانان، دیدگاه سوم را قابل قبول می‌داند: «[...] شادی آن‌ها فقط به دلیل تحقق وعده خداوند متعال بود، زیرا این وعده حاوی شواهدی از نبوت بود، زیرا خداوند متعال ما را از آن چه در چند سال آینده اتفاق خواهد افتاد، آگاه کرد و این اتفاق افتاد (نحاس، ۱۴۲۱ق: ۳/۱۸۰).

برخی از مفسرین، نیز در مورد دلایل خوشحالی مسلمانان به نوعی رهیافت چند علتی معتقدند. به نوشته صاحب مجمع البیان، «در آن روز که سپاه روم بر سپاه فارس پیروز شد، مؤمنین خوشحال گردیدند که رومیان سپاه فارس را از بیت المقدس بیرون نموده و شادمانی آنان از آن جهت بوده که سپاه فارس شکست خورده نه آن که بیت المقدس به دست روم افتاده است؛ و شادمانی مؤمنین علل دیگری نیز داشت از قبیل افسردگی مشرکین مکه از این جریان و دیگر صحت گفتار پیامبر (ص) که قبلاً پیروزی آن‌ها را خبر داده بود و دیگر این که این پیروزی مقدمه‌ای برای پیروزی مؤمنین است. خداوند هر کس را بخواهد یاری می‌نماید (طبرسی، ۱۳۵۶: ۱۹/۹۶-۹۷).

ابن ابی‌زمین نیز در تفسیر این آیه همین دیدگاه را دارد: «چون هفت سال فرا رسید، رومیان بر ایرانیان پیروز شدند و خداوند به مؤمنان وعده داده بود که اگر رومیان بر ایرانیان پیروز شوند، آن‌ها را بر مشرکان پیروز خواهد کرد. پس رومیان بر ایرانیان و مؤمنان بر مشرکان در یک روز، روز بدر، پیروز شدند و مسلمانان از این امر شادمان شدند؛ و این که خداوند سخنان خود را محقق کرده و درباره پیامبرش راست گفته است» (ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق: ۲/۱۳۷). بنابراین براساس این دیدگاه مسلمانان به خاطر تحقق وعده الهی و صدق گفتار پیامبر خوشحال شدند.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهم و مرتبط با تاریخ ایران ساسانی پیش‌گویی قرآن کریم از نتیجه جنگ‌های ایران و روم در زمان سلطنت خسرو پرویز است. نبردهای ایران و روم که از ابتدای دوره اشکانیان آغاز شده بود، با فراز و نشیب‌هایی تا اواخر دوره ساسانی نیز ادامه یافت. این جنگ‌ها در زمان خسرو دوم (پرویز) به اوج خود رسید. پیروزی‌های چشم‌گیر سرداران ایرانی در فاصله سال‌های ۶۰۴-۶۲۲م. باعث شهرت روزافزون ایرانیان و موضوع بحث محافل و مجالس شد. در همین ایام پیامبر (ص) به همراه یاران اندک خویش در مکه دوران بسیار سختی را می‌گذراند و مشرکان مکه پیروزی‌های ایرانیان - که از نظر آنان مشرک و دوگانه پرست بودند - بر رومیان اهل کتاب را به فال نیک گرفته و دلیل حقانیت شرک خود دانستند. در همین زمان آیات اولیه سوره مبارکه روم بر پیامبر (ص) نازل شد که پیامبر (ص) و مسلمانان را از غلبه قریب الوقوع رومیان بر ایرانیان و نیز پیروزی نهایی مسلمانان بر کفار مکه آگاه می‌ساخت. این آیات که در زمان نزول خود به عنوان یک پیش‌گویی تلقی می‌شد، بعد از حصول نتیجه از معجزات مهم قرآنی به حساب آمد و پیامبر اکرم (ص) آن را دلیل محکمی بر الهی بودن رسالت خویش عنوان کرد. در این میان یکی از مسائل اختلاف برانگیز میان مفسرین، تفسیر بخش پایانی آیه چهارم «وَيُؤْمِنُ بِفَرَحِ الْمُؤْمِنِينَ» (و در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد) است. برای پاسخ به این مسأله سه دیدگاه اصلی در میان مفسرین شیعه و اهل سنت وجود دارد: ۱. به اعتقاد برخی از مفسرین، منظور این آیه خوشحالی مسلمانان به خاطر بشارت پیروزی رومیان بر ایرانیان است. این دیدگاه درست به نظر نمی‌رسد، زیرا ایرانیان در صف کفار قرار نمی‌گرفتند. بعضی دیگر افزوده‌اند، مؤمنان از این خوشحال شدند که خبر غلبه رومیان بر ایرانیان، دلیل و حجتی بر پیروزی مسلمانان بر مشرکان بود؛ ۲. گروهی دیگر از مفسرین معتقدند شادی مسلمانان نه به دلیل آگاهی از خبر شکست فارس‌ها از رومیان بلکه به دلیل هم‌زمان شدن این اخبار با یکی از پیروزی‌های مسلمین بر مشرکان در بدر، حدیبیه و یا فتح ایران بوده است؛ ۳. براساس دیدگاهی دیگر، دلیل اصلی شادی مؤمنان به این خاطر بود که عظمت قرآن و صدق پیش‌گویی پیامبر (ص) به صورت قاطع اثبات شد زیرا آن خود یک پیروزی مهم معنوی برای مسلمین محسوب می‌شد. اگرچه این احتمال نیز بعید به نظر نمی‌رسد که این واقعه با یکی از موفقیت‌های مسلمانان مقارن بوده باشد. یافته‌های حاصل از این پژوهش، با دیدگاه سوم موافق است، چرا که آیات اولیه سوره روم، نه تنها بیانگر اثبات اعجاز قرآن کریم در پیش‌گویی یک واقعه تاریخی - نتیجه نهایی جنگ‌های ساسانیان با رومیان در زمان پادشاهی خسرو پرویز - بوده بلکه نشان از شادی مومنین به دلیل تحقق وعده الهی و اثبات صدق گفتار پیامبر (ص) داشته است.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳. احمدی، احمد (۱۳۷۷)، «تفسیر قرائتی دیگر از آیات اول سوره روم»، بینات، ش ۱۸.
۴. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۴): راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، تهران، توس.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. انصاری، عبد الله بن محمد (۱۳۵۷)، کشف الاسرار و عده الابرار، تفسیر خواجه عبدالله انصاری، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، فتونی اصفهانی (۱۳۸۹)، تفسیر روایی البرهان، ترجمه رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورشاه، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
۸. برازش، علیرضا و همکاران (۱۳۹۴)، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، زیر نظر برازش، تهران، امیر کبیر.
۹. بغوی، حسین بن مسعود، حرش (۱۴۰۹ق)، تفسیر البغوی، معالم التنزیل، ریاض، دارطیبه.
۱۰. بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۵۳)، ترجمه و تکلمه تاریخ طبری، به تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، کتابفروشی زوار.
۱۱. بیات، عزیزالله (۱۳۷۰)، کلیات تاریخ ایران، تهران، مؤسسه میراث ملل.
۱۲. پرهون، حسن (۱۳۸۶)، «رویگرد قرآن به تاریخ»، رشد آموزش تاریخ، ش ۲۶.
۱۳. پروکوپیوس (۱۳۶۵)، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۴. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۵. الجرجانی، ابوالمحاسن الحسین بن الحسن (۱۳۷۸ق)، تفسیر گازر (جلاء الذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن)، به تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، [بی نا].
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷)، معارف اسلامی ۱ و ۲، تهران، سمت.
۱۷. جوادیان، مسعود؛ خیر اندیش، عبدالرسول و همکاران (۱۳۸۹)، تاریخ ایران و جهان ۱، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۸. حسینی همدانی، محمد و بهبودی، محمدباقر (۱۳۸۰)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، لطفی.
۱۹. دانش اعتمادی، اعظم (۱۳۸۸)، «قرآن و تاریخ»، رشد آموزش تاریخ، ش ۳۴.
۲۰. دیاکونوف، م. م. (۱۳۵۱)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام.
۲۱. دینوری، احمد بن داود، ابوحنیفه (۱۳۷۱)، أخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
۲۲. دینوری، عبدالله بن محمد، و فرید، احمد (۱۴۲۴ق)، الواضح فی تفسیر القرآن (تفسیر ابن وهب)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۳. زارعی، معجد و دژآباد، حامد (۱۳۹۹)، «واکاوی شادی مؤمنان در آیات ابتدایی سوره روم در پرتو نقد قرائت آیات»، مطالعات تفسیری، ش ۴۲.
۲۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی)، تهران، سخن.

۲۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت، دارالکتب العربی.
۲۶. سبزواری، محمد (۱۴۱۹ق)، إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن. بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۲۷. سلطانی بیرامی، اسماعیل و محمد امیدیان (۱۳۹۵)، «بررسی پیش‌گویی قرآن براساس قرائات گوناگون آیات ابتدایی سوره روم»، قرآن شناخت، ش ۱۷.
۲۸. شریعتی، علی (۱۳۸۹)، سوره روم، مشهد، ایران جوان.
۲۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۷۷)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، مکتبه محمد الصادق الطهرانی.
۳۰. طالبی، تهماسب (۱۳۹۰)، «تاریخ در قصص قرآن»، رشد آموزش تاریخ، ش ۴۲.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۳۲. طبرسی، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۵۶)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه ضیاءالدین نجفی، تهران، فراهانی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به تصحیح هاشم رسولی محلاتی و فضل‌الله یزدی طباطبایی، بیروت، دارالمعرفه.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، الجزء الثامن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۶. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، ۵ج، به تصحیح هاشم‌الرسولی المحلاتی، قم، دارالکتب علمیه.
۳۷. علیا نسب، سیدضیاءالدین و عزیزه اصغری (۱۳۹۴)، «تفسیر پیش‌گویی قرآن از پیروزی روم بر فارس»، مطالعات تفسیری، ش ۲۲.
۳۸. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن. تهران، ناصر خسرو.
۴۰. کریستین سن، آرتور (۱۳۶۷)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیر کبیر.
۴۱. گیرشمن، رومن (۱۳۶۶)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی.
۴۲. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنه، تفسیر الماتریدی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۳. مزیدی، احمد فرید، ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ق)، تفسیر ابن ابی‌زمین، مختصر تفسیر یحیی بن سلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۴. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۹)، ایران در عهد باستان، تهران، اشرفی.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۰)، تفسیر جوان (منتخب تفسیر نمونه)، به اهتمام محمد بیستونی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۶. مودب، سیدرضا (۱۳۷۹)، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت (ع) و بیست و یک نفر از علمای بزرگ اسلام، قم، احسن الحدیث.
۴۷. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، إعراب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۸. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر النسفی (مدارک التنزیل و حقائق التأویل)، بیروت، دارالکلم الطیب.
۴۹. هوار، کلمان (۱۳۶۳)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
۵۰. واثقی راد، محمدحسین (۱۳۹۷)، «بررسی دیدگاه مفسران در آیات نخست سوره روم»، مطالعات تفسیری، ش ۳۸.
۵۱. یارشاطر، احسان، بیوار و همکاران (۱۳۷۳)، تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، قسمت اول، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.